

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دیپلوم انجنیر نسرين معروفی
۱۴ اگست ۲۰۱۶

آیا "کرزی"، "غنی" و "عبدالله" آبرویی داشتند که برود؟

به تاریخ نهم اگست ۲۰۱۶ از طریق یکی از سایتهای وطنداران خوب ما، به نوشته یکی از نویسندگانی که در زمانی اشعارش را با علاقه مندی خاصی از نظر می گذشتاندم، برخوردیم. ایشان نگاشته بودند:

"من امروز دلم به حال "کرزی"، "عبدالله" و "اشرف غنی" بیشتر می سوزد. یکی از جنبه های بسیار زشت مداخله آمریکا و ناتو در افغانستان این است که آمریکا با مداخله های قبیح و آشکار خویش دیگر آبرویی برای سیاستمداران ما باقی نمانده است. من یقین دارم که وضع به وجود آمده را نه "اشرف غنی" می خواست و نه "عبدالله".

۱- از این که نویسنده بعد از پانزده سال هنوز هم، تجاوز آمریکا و ناتو در افغانستان را، مداخله می دادند، سؤال برانگیز است.

حدود پانزده سال است که افغانستان در آتش جنگ وحشیانه امپریالیستی و ارتجاعی می سوزد و به خصوص در شرایط فعلی که روزانه ده ها انسان ستم دیده این سرزمین به خاک و خون کشیده می شوند و همچنان ده ها فاجعه دیگر. زمانی که حتا "کرزی" خاین و وطن فروش حاضر می شود بگوید، که افغانستان مورد تجاوز قرار گرفته، وای به کسانی که بعد از پانزده سال تجاوز، هنوز هم حاضر نیستند به افکار خود، تجدید نظر نمایند. در حالی که تمام مسایل سیاسی، اقتصادی و دفاعی و همچنان روابط دیپلماتی افغانستان با دیگر کشور ها را امپریالیسم آمریکا تعیین می کند. "کرزی"، "غنی" و "عبدالله" که نویسنده به آنها آبرو قابل است، نه حق حاکمیت را دارند و نه هم صلاحیت و توانایی انجام کاری را. به نظر من تجاوز عربان را مداخله - حتا مداخله قبیح- دانستن، برخوردیست غیر مسؤولانه نسبت به قضایای کشور و مردم ما.

۲- نویسنده تذکر می دهد:

آبرویی برای سیاستمداران "ما" باقی نمانده. این که نویسنده خویشان را با ذکر کلمه ما در بستر فکری و ایدئولوژی و مبانی اعتقادی با "کرزی" و "غنی" و "عبدالله" هم هویت می داند، حق مسلم شخص نویسنده است که لازم به تبصره نیست.

- اما می خواهیم از نویسنده مضمون سؤال کنم: آیا خیانت پیشه هائی مانند "کرزی"، "غنی" و "عبدالله" که از یک جانب موقع را مناسب دانسته زرنگی مزدورمنشانه شان را غرض تأمین منافع خود و اهداف مغرضانه استعمارگران به کار برده و می برند و از جانب دیگر شرکت آنها در قدرت که در حقیقت خیانت به وطن و مردم و تأیید تجاوز است، آیا باز هم به نظر شما چنین انسانهائی آبرویی داشتند تا برود؟ آیا این سه انسان خاین و خود فروخته تا به امروز دوش به دوش امپریالیسم جهت استحکام تجاوز به گفته نویسنده "مداخله" سعی و همکاری نورزیده اند؟ و هنوز هم نمی ورزند؟ پس این ها علاوه بر این که آبروی نداشتند تا برود، انسانهائی هستند بی وجدان و بی شرم و بی حیاء که خدمت به امپریالیسم را بخشی از وجدان خود ساخته اند، لذا بنابر خصلت و ماهیت خاینانه ای که داشتند و دارند، نمی توانند از همکاری با امپریالیسم و ارتجاع کناره گیری نمایند، لذا آبرویی نداشتند که امریکا آن را به گفته جناب شان با مداخلات خود در افغانستان از بین برده باشد.

این اعجوبه های خیانت هنوز هم تمام تلاش خود را به حیث انسانهای خودفروخته و تربیه دست "سی، آی، ای" به خرج می دهند تا چند صباح دیگر عمر ننگین خود را در پای امپریالیسم و ارتجاع، سپری نمایند. با تمام این کرکتر، آیا "کرزی"، "غنی" و "عبدالله" آبرویی داشتند، که به گفته شما امریکا "با مداخله های قبیح و آشکار خویش آبرویی برای اینها نمانده باشد". اگر آبرویی هم باقی نمانده باشد به یقین که "آبروی" خلق افغان است که امروز در داخل کشور خود و در خارج از آن به حیث پناهجو، در به در و خانه به دوش هستند.

"کرزی"، "غنی" و "عبدالله" به حیث مزدوران بی مقدار امپریالیسم هیچ زمانی آبرویی نداشته و نخواهند داشت، با وضع وحشتناک و رقتباری که در کشور ما افغانستان وجود دارد، هیچ روزی نیست که به ده ها افغان به دلایل مختلف کشته و نابود نشود. امروز افغانستان به یکی از خونین ترین کشورهای جهان مبدل گردیده، تاراج دارائی های کشور ما توسط انسانهای دزد و بی مسؤولیت، در عوض این که پولها را جهت ساختن پل و بند برق و شفاخانه و مکتب و فابریکه به مصرف برسانند، همه به غارت برده شده است که هر کدام از قبل آن به زندگانی افسانه ئی دست یافته اند، در حالی که بیشتر از ۹۵ در صد خلق افغان در بدبختی و فقر، بیماری، اعتیاد و فحشاء، بیکاری، گدائی و در به دری زندگانی می کنند.

افغانستان امروز از برکت!! این فاسدان، از فاسد ترین کشورهای جهان به شمار می رود و در شرایط کنونی متجاوزان و حامیان آنها از سرزمین افغانستان، زندانی ساخته اند به وسعت تمام کشور که خلق افغان زندگانی خود را شب و روز با ترس و لرز و شکنجه و عذاب و مرگ و میر در این زندان می گذرانند.

تخریب و کارشکنی آشکار "غنی" و "عبدالله" علیه یک دیگر، ایجاد تفرقه و نفاق به خاطر حفظ قدرت، که می خواهند قدرت نمائی خود را در وجود نفاق میان مردم آشکار بسازند با عث می گردد تا خلق افغان عواقب خونبار آن را همه روزه تجربه نمایند. چنانچه واقعه خونبار "دهمزننگ" که چندی قبل اتفاق افتاد یکی از ده ها واقعه است در این کشور. تمام این ها محکبست بر بی آبرویی این سه انسانی که عاملان چنین فجایع هستند و باید تا به حال هزاران مرتبه مرگ را بر زنده ماندن خود ترجیح می دادند، اما کجاست ننگ و غیرت انسانی؟

این مثلثی را که نقاط مشترک دارند و شما از آنها نام برده اید و به اضافه افرادی مانند این ها، کسانی دیگری نیز هستند که هرگز آرزو ندارند تا قلاده بردگی را از گردن خود دور نمایند و هنوز هم می خواهند که شاهد و شریک کشت و کشتار و به خاک و خون کشیده شدن خلق ستمکش افغان و صد ها جنایت دیگر توسط امپریالیستها و سازمانهای ارتجاعی دستپورده آنها، باشند. به نظر شما نویسنده محترم، آیا آنهایی که قلاده بردگی را به گردن حمل و در مرداب اسارت غلتیدند، باز هم آبرویی دارند؟

باز هم از شما نویسنده محترم سوال می‌کنم: آیا معاهده ستراتیژیک، که معاهده استعماری و منافع اشغالگران را تأمین می‌نماید، مگر از شاهکارهای خائینی مانند "کرزی"، "غنی" و "عبدالله" نیست؟ و به همین ترتیب موافقتنامه امنیتی که "غنی" و "عبدالله" آگاهانه، دواطلبانه و ارادی این سند محکومیت کشور ما را با دولت اشغالگر امریکا به امضاء رسانیدند تا چهار صبحی دیگر هم در قدرت نگهداشته شوند تا به چور و چپاول ادامه بدهند و اهداف و منافع استعمارگران را برآورده بسازند. آیا باز هم آبرویی نزد مردم، جهان و تاریخ دارند، که امریکا برای آنها آبرویی باقی نمانده باشد؟

"کرزی" بی آبرو زمانی که رئیس اداره مستعمراتی کابل بود، وی ظاهراً از امضای سند محکومیت کشور ما با اشغالگران جهت فریب خلقها ابا و ورزید، ولی هرگز از نوکری با اشغالگران دست بردار نبود و نیست. وی تا هنوز هم خواب قدرت را می‌بیند و در صدد است تا دوباره و هر چه زودتر قلاده بردگی استعمار را به گردن بیاویزد و با دروغ گفتن‌های خود مانند گذشته مردم را فریب بدهد، چنانچه امروز هم همین کار را انجام می‌دهد. نویسنده محترم: خوشبختانه امروز اکثر افغانهای ما بیدار شده اند و می‌دانند که کشورشان مورد تجاوز قرار گرفته و دولت، دولت دست‌نشانده امپریالیسم امریکاست.

پس نباید در صدد شد تا اذهان مردم را نسبت به تجاوز بر افغانستان را که امروز مثل آفتاب روشن است، با استعمال کلماتی مانند "مداخله" مغشوش ساخت و به خائنین و فساد پیشگانی مانند "کرزی"، "غنی" و "عبدالله" آبرویی قایل شد. از دید من برخوردی از نوع برخورد شما با قضایا و اوضاعی که در کشور ما جریان دارد، برخوردیست غیر مسؤولانه.

نویسنده در مضمون خود در جای دیگری می‌نویسد:

"امیدوارم که بخت خفته این کشور به دست ملل متحد بیدار گردد."

نمی‌دانم نویسنده چه توقعی از ملل متحد دارد؟

توقع از مرجعی که "از زورمندان پشتیبانی می‌کند و دهان ناتوانان را بدون خونریزی می‌بندد*" با اوضاع جاری و وقایعی که حدود ۱۵ سال است در افغانستان رخ می‌دهد، می‌توان این نظر را کاملتر نمود و گفت: **ملل متحد به حیث یکی از ارگانهای امپریالیسم جنایتگستر امریکا، می‌خواهد دهان ناتوانان را نه تنها بدون خونریزی بلکه با استعمال راکت و بم و توپ و تفنگ تا ابد خاموش سازد.**

من را عقیده بر این است که روزی خواهد رسید که خلق افغانستان، خود بخت خفته این کشور ستم‌دیدگان را بیدار می‌سازند آنهم با مبارزه پیگیر و مسلحانه، متجاوزان و دشمنان داخلی و خارجی، وطن‌فروشان و حامیان آنها را به دور بیندازند. **نه ملل متحد و نه مرجع دیگری.**

*** البرت آبنیشترین**

یادداشت:

کمبود های انشائی در نقل های قول، با رنگ سرخ از طرف ویراستاران پورتال مشخص شده است.

اداره پورتال AA-AA